

## نواندیشی در پرتو قرآن

تفسیر پرتوی از قرآن، نوشته مجاهد نستوه مرحوم آیت الله طالقانی تفسیری است که تدوین آن مقارن با یکی از مهمترین مقاطع تاریخ سرزمین اسلامی ما بوده است. این تفسیر در روزگاری نوشته شده که ایران مانند سایر سرزمینهای اسلامی خود را با مسائل ناشی از سیطره تجدد روبه‌رو می‌دید و مصلحان ما یا پیش چشم داشتن تجربه مصلحان در سایر بلاد اسلامی به تازگی می‌کوشیدند تا با چالشهای سهمناکی که تجدد پیش رویشان نهاده بود پنجه درآنگزند و البته در این رویارویی، به بازگشت به قرآن توجهی خاص داشتند. به قول نهایه‌الدین خرمشاهی بازگشت به قرآن و نهضت عظیم تفسیرنویسی در قرن چهاردهم پارزترین مختصه و مشخصه انقلاب اصلاحی فراگیر یا رنسانس اسلامی است.<sup>۱</sup> مرحوم طالقانی در این زمان و پس از سخوت زمستانی سالهای پیش از شهریور ۱۳۲۰، همراه با مصلحان بیدار و دردمندی چون استاد شهید مطهری، مهندس بازرگان، استاد محمدتقی شریعتی و فرزند ایشان مرحوم دکتر شریعتی سعی کرد تا با رجوع به سنت و تأملی دوباره در آن و با درک شرایط زمانه، پاسخی درخور برای پرسشهای زمان خویش بیابد. رویکردهای نواندیشانه مرحوم طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن را باید با توجه به این شرایط دشوار تاریخی فهمید. ایشان خود در این باره می‌گوید: «من خودم به یاد دارم در حدود سال ۱۳۱۸ الی ۱۳۲۰ که از قم به تهران برگشتم... شروع کردم تفسیر قرآن گفتن. از دو طرف کوبیده می‌شدیم: از یک طرف مجامع دینی که چه حقی دارد کسی تفسیر قرآن بگوید؟ این قرآن در دست باید خوانده بشود و به قرائتش مردم بپردازند... و چقدر من خودم فشار تحمل کردم تا بتوانم این راه را باز کنم که قرآن برای تحقیق است، برای تفکر و تدبیر است نه برای صرف خواندن و تپیدن و تبرک جستن. همانطوری که سید انقلابی ما، مرحوم سید جمال‌الدین، قبل از آن گفت. تکیه او هم برای حرکت مسلمانها و برای بیداری مسلمانها همین بود که چرا قرآن برکنار شده است.»<sup>۲</sup> «پرتوی از قرآن» با وجود کامل نبودنش یکی از تفاسیر موفق در روزگار ماست که خوشبختانه مورد استقبال قشر تحصیل کرده و روشنفکر نیز واقع شده است. طبق خاطره مشهوری که حجت الاسلام سید محمود دعایی نقل کرده این تفسیر مورد توجه خاص امام خمینی رحمه‌الله علیه نیز واقع شده است.<sup>۳</sup> این تفسیر پنج جزء قرآن یعنی یک ششم آن را در بر می‌گیرد که شامل ابتدای قرآن تا اوایل سوره نساء و نیز جزء سی‌ام است. در ضمن پیوستی با نام «فرهنگ پرتوی از قرآن» دارد که گردآورده سید محمد مهدی جعفری است و لغات و اصطلاحات این شش جلد را که مرحوم طالقانی به شیوه خاص خود توضیح داده و معنی کرده یکجا گردآورده است.<sup>۴</sup>

حامد شیوا ♦

عضو هیئت علمی دانشگاه مفید قم ♦

### رویکردهای نواندیشانه در تفسیر پرتوی از قرآن

۱- گرایش اجتماعی: آنچه ما از آن به گرایش اجتماعی یاد می‌کنیم از شایع‌ترین گرایشهای تفسیری در زمان ماست که عمدتاً در سده اخیر و حتی پیش از آن و در اثر رویارویی عالم اسلام با غرب متجدد و مسائل آن، در تفسیر ظهور یافته است. مراد ما از تفسیر اجتماعی معنای عامی است که شامل تفاسیر سیاسی، تربیتی (با رویکرد اجتماعی)، اصلاحی و تقریب‌گرایانه هم می‌شود و مفسرانی چون محمد عبده، رشید رضا، سید قطب، محمد مصطفی المراغی، جمال‌الدین قاسمی، طنطاوی جوهری، ابن‌عاشور و... در اهل تسنن و کسانی مانند علامه محمد جواد بلاغی، علامه طباطبایی، آیت الله مکارم شیرازی، مرحوم طالقانی، شادروان محمد تقی شریعتی، محمد جواد مغنیه، علامه سید محمد حسین فضل الله و... در میان مفسران شیعه چنین رویکردی را پی گرفته‌اند.

زمینه‌های تاریخی و فرهنگی این گرایش تفسیری را می‌توان به اختصار چنین برشمرد: نگرش مسلمانان به دانش جدید، تحول نهاد و نگرش سیاسی و تاثیر آن بر تفکر دینی، تلاشهای مستشرقان و مشران و مقابله با آنان، آشنایی مسلمانان با مکاتب جدید فلسفی، اجتماعی و اقتصادی و نیز دستاوردهای جدید علمی و کلامی مسیحیت در غرب.<sup>۵</sup> شاخصهای عمده این گرایش را چنین برشمرده‌اند: توجه به تعالیم تربیتی قرآن، توجه به عقل و علوم تجربی، بیان روشن و واضح، پاسخ به شبهات علیه اسلام، عدم توجه به رویکردهای فلسفی، فقهی، ادبی و... توجه به جهاد اسلامی و رویارویی با استعمار غربی و اسرائیل، رویارویی با روایات مجعول و اسرائیلیات، توجه به وحدت مسلمین و... در عین حال این گرایش تفسیری پیوند تنگاتنگی با تفسیر موسوم به عصری و تفسیر اجتهادی نیز دارد چنان‌که تفکیک این گرایشها به صورت دقیق شاید ناممکن باشد. از این رو برخی از محققان این گرایش را «المدرسة الحدیثة فی التفسیر» نامیده‌اند و معتقدند که این رویکرد، به جز در مورد سید قطب، در اصول و روشها امتداد همان سنت تفسیری در عالم اسلام

است و از همان شیوه قدیم پیروی می‌کند.<sup>۶</sup>

بعضی از محققان به درستی به تأثیر دیدگاهها و فعالیتهای سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگردش محمد عبده در این رویکرد اشاره کرده‌اند.<sup>۸</sup> اقبال نیز از مصلحانی است که گرچه تفسیری بر قرآن ننوشته است، اما به همین جنبه از فهم قرآن بسیار توجه دارد چنان‌که مهمترین کتاب او، احیای فکر دینی در اسلام، با این سخن آغاز می‌شود: «قرآن کتابی است که در مورد عمل بیش از اندیشه تأکید می‌کند.»<sup>۹</sup> به قول خرمشاهی جتیش اصلاح‌طلبی اسلامی دو شاخه هم‌بافته و گاه مجزا داشته است که در تفسیر و قرآن‌پژوهی جدید نیز می‌توان ردپای این دو را پی گرفت. از این دو گرایش یکی را می‌توان شاخه نواعترالی‌گری و دیگری را شاخه نواشعری‌گری نامید. پیشوایان شاخه اول سید جمال و عبده و پیروان آن اقبال و مصلحان شیعی در ایرانند. اینان علوم عقلی و دانش جدید را حرمت می‌نهند و سنت را نقادی می‌کنند. اما پیشوای شاخه دوم که از محمد بن عبدالوهاب و قبل از او از ابن تیمیه و ابن قیم و در ورای آنان از ابن حنبل و ابوالحسن اشعری نسب می‌برد رشید رضاست. اینان به عمل به احتیاط و تقدم نقل بر عقل معتقدند و بیش از حد به حدیث و نص و ظاهر اعتنا می‌کنند.<sup>۱۰</sup>

مرحوم طالقانی را باید حلقه‌ای از زنجیره مصلحان و محییان از سید جمال به بعد محسوب کرد. سعی او در چاپ کتاب «تبییه الامة و تزیه الملته» نائینی و مقدمه‌اش بر آن نمونه گویای دغدغه‌های اصلاحی اوست. از این رو سعی او در به‌دست دادن تفسیری پویا از تعالیم شیعی را با اندیشه‌های مرحوم نائینی و سید اسدالله خرقانی مقایسه کرده و آن را به منزله گزینه‌ای در برابر تبلیغ ملی‌گرایی در آن زمان دانسته‌اند.<sup>۱۱</sup>

تفسیر پرتوی از قرآن نیز از همین رو از بهترین نمونه‌های تفسیر اجتماعی است. به درستی به این نکته اشاره شده است که توجه ایشان به مسائل اجتماعی در تفسیر، جبران کم‌توجهی به اجتماعات اسلام بود. وانگهی او در زمانه‌ای می‌زیست که مارکسیسم داعیه‌دار چنین مباحثی بود

و اسلام جدا از سیاست و اجتماع تلقی می‌شد.<sup>۱۲</sup> البته خرمشاهی در برابر این دیدگاه معتقد است که «مسائل اجتماعی، مخصوصاً سیاسی، بر خلاف مسائل علمی و اخلاقی، و بر عکس آنچه همگان تصور می‌کنند و انتظار دارند در پرتوی از قرآن چندین زیاد نیست که یک مقدارش مستقیماً مربوط به سانسور، چه سانسور هنگام تحریر و چه سانسور هنگام طبع و انتشار اولیه این اثر است، و گرنه علاقه و اهتمام ایشان به این مسائل و اهمیت و اولیبتی که برای اجتماعیات و تلفیق دین و سیاست قائل بود نیاز به یادآوری یا اثبات ندارد.»<sup>۱۳</sup>

این داوری از ایشان اندکی شگفت‌آور به نظر می‌رسد، زیرا دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی مفسر در میانی تفسیری و فهم او از آیات چنان آشکارا اثر گذاشته که این گرایش در بسیاری از مواضع این تفسیر ظهور یافته است چنان که به تعبیر برخی از محققان از این تفسیر بوی جهاد و شهادت به مشام جان می‌رسد.<sup>۱۴</sup>

خود مرحوم طالقانی نیز در یک سخنرانی چنین می‌گوید: «مسائل و حقایق قرآن در ضمن حرکت برای انسان تبیین می‌شود، نه نشستن یک گوشه‌ای و این تفسیر و آن تفسیر و این بیان و آن بیان، این اظهار نظر را دیدن و اینها را جمع کردن.»<sup>۱۵</sup>

لطف‌الله میثمی در خاطرات خود از مرحوم طالقانی به این نکته اشاره می‌کند که جوانان مبارز کتابهای مرحوم بازرگان را حاوی رهنمود مبارزه برای خود نمی‌یافته‌اند و مرحوم طالقانی به آنان گفته است که این نقص را در تفسیر پرتوی از قرآن جبران می‌کند. ایشان می‌افزاید که ما در زندان به خواندن این تفسیر پرداختیم.<sup>۱۶</sup> دکتر ابراهیم یزدی نیز می‌گوید: «پرتوی از قرآن در دوران قبل از انقلاب یکی از منابع اصلی مورد استفاده در آموزش دینی جریانها و سازمانهای اسلامی مبارز در داخل و خارج از کشور بود.»<sup>۱۷</sup>

در «دایرةالمعارف جهان متجدد اسلامی» (چاپ آکسفورد) نیز ویژگیهای اجتماعی و نوگرایانه این تفسیر چنین معرفی شده است:

«تأثیر این تفسیر از آثار تفسیری سنتی این بود که زبانی ساده را برای دسترسی عموم مردم به کار می‌گرفت. طالقانی از قرآن دیدگاهی انقلابی را نسبت به تاریخ استنباط می‌کند که طبق آن، جوامع از شرایط بد به شرایط بهتر حرکت می‌کنند. او همچنین از "اراده آزاد" [اختیار] در برابر اعتقاد به "تقدیر" [جبر] دفاع می‌کند. طالقانی از این مقدمات نتیجه می‌گیرد که مسلمانان خود باید سرنوشت خویش را به دست گیرند و علیه دشمنان درونی و بیرونی خویش بستانند تا شرایط خود را بهبود بخشند و عدالت را به دست آورند. طالقانی با تلاش برای نشان دادن رابطه قرآن با مسائلی که ایرانیان با آن مواجه بودند گفتگویی ایدئولوژیک را به وجود آورد که گروه‌های گوناگونی که مدعی وراثت او بودند جذابیت دیرپای آن را تصدیق کردند. اما عالمان سنتی که بر خوانش تقلیل‌گرایانه او از قرآن خرده گرفته‌اند در این میراث با تردید نگرسته‌اند.»<sup>۱۸</sup>

مرحوم طالقانی در مقدمه تفسیر خود می‌گوید: «این کتاب هدایت که چون نیم قرن اول اسلام، باید بر همه شوون نفسانی و اخلاقی و قضاوت و حکومت حاکم باشد، یکسره از زندگی برکنار شده و در هیچ شأنی دخالت ندارد، دنیای اسلام که با رهبری این کتاب روزی پیشرو و رهبر بود امروز دنباله‌رو شده، کتابی که سند دین و حاکم بر همه امور بوده مانند آثار عتیقه و کتاب ورد تنها جنبه تقدیس و تبرک یافته و از سرحد زندگی و حیات عمومی برکنار شده و در سرحد عالم اموات و تشریفات آمزش قرار گرفته و آهنگ آن اعلام مرگ است.»

این سخن، سخنان پرشور سیدجمال در انجمن وطنی مصر را به یاد می‌آورد

تفسیر با گرایش اجتماعی در این کتاب نمونه‌های متعددی دارد، اما ذکر یک نمونه شایسته است. مرحوم طالقانی در تفسیر آیه ۱۱۷ سوره آل‌عمران که می‌فرماید: «مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتُهُ...» چنین می‌گوید: «این بیان

و تمثیل کوتاه قرآن را روابط کنونی ملل بیشتر باز و تبیین کرده است که اتفاقی و کمکهای اقتصادی و غذایی کشورهای سرمایه‌جو و سرمایه‌سوز، چگونه سرمایه‌های انسانی و کشتکارهای اتفاق شدگان را می‌سوزاند و آنها را نیازمند و چیره‌خوار و مصرف‌کننده به سود آنها نگه می‌دارد؟ گزارشها و تجربیات نشان می‌دهد که این‌گونه اتفاقی از هر سلاحی مخرب‌تر و سوزنده‌تر است.»<sup>۱۹</sup>

در پایان این بخش اشاره به این نکته نیز شایسته است که جنبش اصلاح در عالم اسلام و به‌طور خاص اندیشه‌های معماران فکری انقلاب اسلامی مانند طالقانی را می‌توان با نهضت موسوم به «الهیات رهایی‌بخش» مقایسه کرد. این جنبش که به آمریکای لاتین در دهه ۱۹۶۰ تعلق دارد و بعدها پدیده‌ای جهانی شد الهیات را برای مبارزه با ستم به کار می‌گیرد و هرچند گاه نیز از زبان مارکسیسم بهره می‌برد، اما بطور کامل در ایمان مسیحی ریشه دارد.<sup>۲۰</sup>

۲- تفسیر علمی: تفسیر علمی را که عمدتاً به دوره جدید تعلق دارد نوعی از تفسیر مبتنی بر این فرض دانسته‌اند که همه یافته‌های دانش طبیعی جدید در قرآن پیش‌بینی شده و بسیاری از اشارات آشکار به این یافته‌ها در آیات قرآن قابل کشف است.<sup>۲۱</sup> سرآغاز جدی تفسیر جدید «تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان» اثر سید احمد خان هندی است.<sup>۲۲</sup> اما چنانکه می‌دانیم بهترین نمونه تفسیر علمی تفسیر «الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم» اثر طنطاوی جوهری است که برخی به استفاده مرحوم طالقانی از آن در تفسیر علمی اشاره کرده‌اند.<sup>۲۳</sup>

ایشان گاه اساساً با تفسیر علمی مخالفت می‌کند چنانکه مثلاً در جایی به این نکته اشاره می‌کند که مفسران در ابتدا جهان‌شناسی یونانیان را مسلم می‌گرفتند و در تطبیق قرآن با آن به زحمت می‌افتادند اما سرانجام بی‌پایگی این جهان‌شناسی آشکار شد

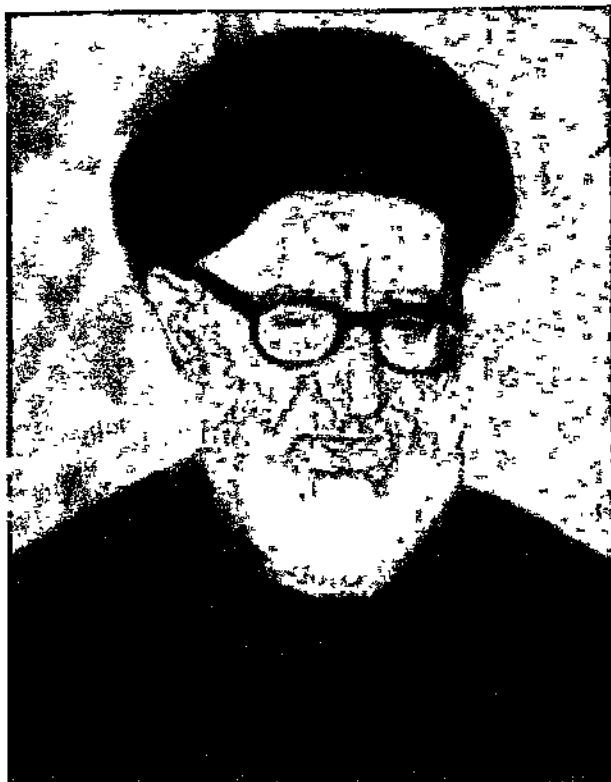
چنین به نظر می‌رسد که رویکرد مرحوم طالقانی در مواجهه با تفسیر علمی در یک نظریه سامانمند و منسجم قابل بررسی نیست و مجموعه سخنان ایشان در این باره در سه بخش قابل دسته‌بندی است:

۱- ایشان گاه اساساً با تفسیر علمی مخالفت می‌کند چنانکه مثلاً در جایی به این نکته اشاره می‌کند که مفسران در ابتدا جهان‌شناسی یونانیان را مسلم می‌گرفتند و در تطبیق قرآن با آن به زحمت می‌افتادند اما سرانجام بی‌پایگی این جهان‌شناسی آشکار شد. سپس در اشاره به نظریه‌های علمی جدید و تطبیق قرآن با آنها می‌گوید:

«امروز هم شیک و تردید و کوتاه اندیشی از مردمی است که شیفته و خود باخته نظریات علمی یا نظامات اجتماعی روزند ولی به‌زودی که کوتاهی یا اشتباه این مطالب در اثر پیدایش نظریات کاملتر و عالیتر آشکارا گردید خوب خواهند درک کرد که قرآن از افق اعلای اعلام می‌دارد: «لَا رَيْبَ فِيهِ»»<sup>۲۴</sup>

در جایی دیگر همدلانه به نقد سید احمد خان هندی و نقد تفسیر علمی و عصری از سوی مرحوم سید جمال‌الدین اشاره می‌کند.<sup>۲۵</sup> این سخن نیز در بیان محدودیت دانش تجربی قابل توجه است: «علوم تجربی و مادی نمی‌تواند و نباید مدعی باشد که به خارج از حدود ماده و طبیعت راه یابد و دیده گشاید و اصول ثابت و حقایق برتر را بنمایاند و انسانها را به توحید و سعادت حقیقی رساند.»<sup>۲۶</sup>

در جایی دیگر نیز می‌گوید: «پیشروان علوم طبیعی به نارسایی خود در فهم ماهیت و علل فاعلی و غایی حیات اعتراف می‌نمایند و آنگاه در تأیید این سخن نام چند کتاب را می‌آورد.<sup>۲۷</sup>



آیت الله العظمی طالقانی

«مقصود این نیست که آیات قرآن با آنچه محصول انظار و افکار این گونه دانشمندان است از هر جهت تطبیق شود. منظور از ذکر این شواهد علمی درباره این آیات و دیگر آیات، بیش از این نیست که دریچه تفکر در آیات قرآن بازتر گردد؛ زیرا در حقیقت رموز و اشارات کلام پروردگار را مانند اسرار خلقتش جز خود او کسی نمی داند.»<sup>۳۲</sup>

۳- برداشتهای جدید: در این تفسیر پاره‌ای برداشتهای از آیات به دست داده شده است که می توان آنها را به تعبیری رساتر، در مواردی «تأویلات متجددانه» نامید. در همین برداشتهاست که راه مرحوم طالقانی از برخی از مفسران جدید شیعه و سنی دیگر، به ویژه علامه طباطبایی، جدا می شود.

یک نمونه‌ی گویا از این نوع برداشتهای، نظر ایشان درباره برخی از داستانهای قرآن است. ایشان مثلا درباره داستان آدم چنین می گویند: «در این آیات تمثیل و بیان شگفت‌انگیزی است از سر وجود آدمی و قوایی که از آن ترکیب یافته و تحولاتی که برایش پیش آمده و غایبی که از خلقت این موجود منظور بوده.»<sup>۳۴</sup> «این آیات آشکارا می‌رساند که داستان آفرینش و خلافت و بهشت و هبوط آدم حقایق نوعی و عمومی است که قرآن در یک فرد گزیده آن را متحمل نموده.»<sup>۳۵</sup> ایشان همچنین در تفسیر این آیات احتمال می‌دهد که ملائکه همان قوا و مبادی طبیعی باشند.<sup>۳۶</sup> مفسر در تفسیر آیه‌ی ۲۴۳ بقره در بیان داستان هزاران نفری که از دیار خود بیرون آمدند نیز در این نظر با عهده موافقت می‌کند که احتمال دارد این داستان تمثیلی باشد.<sup>۳۷</sup> همین نظر در تفسیر آیه ۲۵۹ بقره هم تکرار می‌شود: «شاید بیان تشبیهی و کلی این آیه «أَو كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ» نیز تمثیل و تصویری باشد برای ارائه حقیقتی از آن حقایق برتر.»<sup>۳۸</sup>

گرچه نظریه تمثیلی بودن داستان آدم با روح تأویلات عارفان تناسب دارد و در نگاه نخست سخن جدیدی نیست، اما طرح آن از جانب مفسری که قصد تفسیر و تأویل عارفانه ندارد در زمانه ما دیدگاه جدیدی به نظر می‌رسد. از همین روست که این نظر مورد توجه دکتر سروش نیز واقع شده و ایشان در این باره چنین می‌گویند:

«طالقانی متمایل به این معناست که لازم نیست قصه‌هایی که در قرآن آمده همه‌اش راست باشند. ممکن است کاملاً افسانه باشد. اما این افسانه به سببی و برای غایبی گفته شده باشد. لذا توجه به آن غایبات ما را از

نمونه دیگر: طالقانی با وجود حاکمیت گفتمان علمی و به ویژه نظریه‌های زیست‌شناسی و وراثت در آن زمان و با آنکه خود ایشان نیز بارها به این نظریه‌ها اشاره دارد، هرگز مانند برخی از هم‌روزگاران خود مرعوب این نظریه‌ها نیست و مثلا در جایی برخی از فرضیات نظریه تکامل را شدیداً نقد می‌کند.<sup>۳۸</sup>

به قول خرمشاهی مرحوم طالقانی «به‌خوبی می‌دانسته است که چراغ دین را با روغن علم جدید نمی‌توان روشن نگاه داشت و از حصر و حد علم هم به‌خوبی آگاه بوده است.»<sup>۳۹</sup>

۲- از برخی دیگر از سخنان مرحوم طالقانی برمی‌آید که با پذیرش یک نظریه علمی به تفسیر یک آیه می‌پردازد. در این زمینه به چند نمونه توجه می‌کنیم:

الف) تفسیر ایشان از هفت آسمان در آیه ۲۹ بقره چنین است: «می‌توان باور نمود که مقصود از هفت آسمان همان اختران منظومه شمسی جهان ما باشد...» ایشان این احتمال را هم روا می‌داند که مراد از هفت آسمان طبقات جوی باشد.

ب) نمونه دیگر، تفسیر آیه ۶۰ سوره هود است: «آیه ۶۰ سوره هود، با بیان دیگر سلطه و نفوذ تربیت و تکامل را بر همه جنبندگان می‌رساند: «مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» ... - ناصیه موی جلوی سر است، گویا اشاره و استعاره است از محل و مرکز ظهور تکامل - چنان که در سوره علق نسبت خطاه و کذب را به ناصیه داده «نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ» زیرا مغز است که به‌وسیله سلسله اعصاب ادراکات را ضبط و ثبت می‌نماید و به میراث در اعقاب همی باقی می‌گذارد و پیوسته ساختمان اعصاب و مغز کاملتر می‌شود و جلو می‌رود.»<sup>۴۰</sup>

ج) مفسر در تفسیر سوره شمس نیز می‌گوید یکی از معانی ریشه «طحی» در آیه‌ی «وَالْأَرْضِ وَ مَا طَحِيهَا»، «پرتاب کردن کره» است و سپس می‌افزاید از این آیه کوتاه و فشرده این حقایق صراحتاً و ضمناً استنباط می‌شود که زمین در آغاز به منشائی پیوسته و خود فشرده بوده، سپس نیرویی بی‌نام آن را به‌صورت کره‌ای از منشأ اصلی جدا کرده و دور رانده که لازمه این دفع، حرکت وضعی آن است و واقع شدن زمین در میان دو نیروی جذب و دفع، موجب حرکت انتقالی آن می‌گردد.

د) گاه هم مفسر بدون آنکه در صدد تفسیر یک آیه باشد به توجیه آن از منظر دانش جدید می‌پردازد، چنانکه مثلا در تفسیر آیه ۱۷۳ بقره، حرمت میت را چنین توجیه می‌کند: «... وسیله دفاعی «گلوبول‌های سفید» آن از میان می‌رود و کشتزار مساعدی برای تغذیه و رشد انواع بیماری می‌باشد و همچنین خونی که از بدن حیوان خارج شده باشد.»<sup>۴۱</sup> این سخنان، تأثیر گفتمان علم‌گرایانه دهه‌های ۴۰ و ۵۰ را بر ایشان نشان می‌دهد که جز ایشان، در آثار کسانی چون مرحوم مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، مرحوم شهید پاک‌نژاد و دیگران نیز آشکار است.

۳- اما به نظر می‌رسد روش غالب طالقانی در تفسیر علمی آن است که با رعایت اعتدالی میان دو رویکرد قبل، ارتباط آیه‌ای را با یک نظریه علمی بیان می‌کند. شیوه ایشان در این بخش اغلب چنین است که در متن به یک نظریه علمی مانند کشفیات مندل و نظریه وراثت (ج ۵، صص ۹۸)، نظریه‌ی تکامل (ج ۵، ص ۱۰۴)، تولید مثل گیاهان (ج ۵، ص ۱۱۳)، نظریه‌های زمین‌شناسان درباره کوهها (ج ۳، ص ۱۲)، کشفیات فیزیک نجومی درباره خورشید (ج ۳، ص ۱۶)، نظریه‌های علم ژنتیک (ج ۳، ص ۱۴۶) نظریات علمی درباره تغذیه (ج ۳، ص ۱۵۴) و... اشاره می‌کند و در پاورقی به تفصیل و با استفاده از منابع گوناگون، مانند «یک، دو، سه، بی‌نهایت» و «پیدایش و مرگ خورشید» از ژرژ گاموف، «علم به کجا می‌رود» و «تصویر جهان در فیزیک جدید» از ماکس پلانک، «وراثت» اثر ژان روستان، «فرسایش و دگرگونی زمین» از ژرم ویکوف و...<sup>۴۲</sup> آن نظریه را شرح می‌دهد.

مرحوم طالقانی در تفسیر آیات نخست سوره طارق می‌گوید:

از این سوگندها آشنا شویم. اینک چند مثال: حرکت وسائل نقلیه، در زندگی ماشینی، و حرکت وسائل صنعتی مشهودترین حرکات است و صورتی از تصرف فکر و اراده انسان در ترکیب و تنظیم قوای طبیعی می‌باشد، طیاره یا فشار نیروی دافع (نازع) از زمین که مرکز جاذب اجسام است، کشیده و کنده می‌شود، قدرت جذب مرکز و دفع محرک، تا حدی در حال کشمکش، پس از آنکه جسم متحرک (طیاره) به منتهای دفع رسید (مستغرق در نزاع گردید): «وَ النَّازِعَاتُ غُرُقًا»، دافعه آن بر جاذبه مرکزی غلبه می‌کند و حرکت نزعی به حرکت نشاطی تبدیل می‌شود و گویا بندهایی که به آن بسته بود و به جهت مخالف می‌کشید سست، یا باز می‌گردد. «وَ النَّاشِطَاتُ نَشْطًا»، پس از سبک سیری و نشاط در فضا شناور می‌شود: «وَ السَّابِحَاتُ»، یا این سه‌طور از حرکت است که به‌سوی مقصود پیش می‌رود: «فَالسَّابِقَاتُ»، و آن غرض نهایی را انجام می‌دهد: «فَالْمُدْبِرَاتُ أَمْرًا»،<sup>۴۴</sup> سپس حرکات دیگر وسایل نقلیه صنعتی، جنبشهای حیاتی در گیاه و حیوان و جنبشها و انگیزه‌های ارادی که منشأ حرکات انسان است مصادیق دیگر این حرکات دانسته می‌شود. مفسر سرانجام چنین نتیجه می‌گیرد: «... زمان و فضا و کمکشانها همه در حال حرکت و یا عین حرکتند، و سکون مطلق وجود ندارد».

اما ایشان در سخنرانی به مناسبت شهادت استاد مطهری باز هم نکات تازه‌تری در این سوره می‌یابد: «تفسیر سوره «النارعات» را همانطوری که کسانی دیدند در همین پرتوی از قرآن من نوشته‌ام، ولی وقتی بیرون آمدم و این حرکت انقلاب را دیدم باز دیدم یک مسائل جدیدی برای من روشن شد... وقتی که من از زندان بیرون آمدم دیدم که این جوانها غیر از جوانهای سه سال قبل بودند، این زنان ما غیر از زنان قبل بودند... دیدم که یک مردم دیگری شده‌اند، «نارعات»، «نفوس نازعه» شدند»<sup>۴۵</sup> ایشان در ادامه، آیات بعد را نیز با حرکت انقلابی مردم تطبیق می‌دهد. همین تفسیر در برنامه تلویزیونی «با قرآن در صحنه» نیز تکرار می‌شود.<sup>۴۶</sup>

شاید همین برداشتهای جدید است که حتی توجه گروههایی را که پیش از انقلاب اعتقاد اسلامی خود را با گرایشها و تعلقات شدید مارکسیستی آمیخته بودند جلب کرده است. دکتر جعفری در این باره می‌گوید: «آقای گودرزی، رهبر گروه فرقان، هم تفسیر نوشته بود... او یک جوان طلبه ۲۷، ۲۸ ساله بود... دو سه نمونه از تفسیرهایش را آورده بود. تفسیر یوسف و تفسیر نور و آن یکی را یادم نیست... وقتی مطالعه کردم دیدم مقداری را از پرتوی از قرآن گرفته و همین چیزهای من در آوردی و مارکسیستی را به آن افزوده»<sup>۴۷</sup>.

این ویژگی همچنین مورد توجه آقای دکتر سروش نیز قرار گرفته و ایشان در تأیید نظریه قبض و بسط خود، به برخی از دیدگاهها مرحوم طالقانی استناد کرده است. مثلاً مرحوم طالقانی در تفسیر آیه ۲۷۵ بقره که در نکوهش ریاخواران می‌فرماید: «لَا يَتُومُونَ إِلَّا كَمَا يُتُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» می‌گوید این بیان را «تمثیل بیماری صرع و دیگر اختلالهای روانی دانسته‌اند. چون عرب این‌گونه بیماریها را اثر مس جن «دیوزدگی» می‌پنداشتند و در زبان فارسی هم این‌گونه بیماری را دیوانه «گرفتار دیو» می‌نامند. بعضی از مفسران جدید گفته‌اند: شاید مس شیطان اشاره به میکروبی باشد که در مراکز عصبی نفوذ می‌یابد و شاید نظر به همان منشأ وسوسه و انگیزنده اوها و تمینات باشد، آنگاه که در اندیشه و مغز انسانی رشد، تماس و نفوذ یابد»<sup>۴۸</sup>.

دکتر سروش در این باره می‌گوید: «ببرسیم چرا مرحوم طالقانی در تفسیر این آیه چنین احتمالاتی را در میان آورده است؟ مگر دیوانه شدن در اثر مس شیطان معنی صریح یا صحیحی ندارد؟ چه چیز ایشان را الزام کرده است که بگوید قرآن در اینجا به زبان اعراب سخن گفته و با پندار آنان مماشات و مسامحه ورزیده است؟ چرا از علم جدید کمک گرفته و به تأثیر میکروبها اشارت کرده است؟ شک نیست که اینها یک علت بیشتر ندارد و آن هماهنگ کردن فهم دینی خویش با فرهنگ روزگار است»<sup>۴۹</sup>.



آیت الله العظمی طالقانی و مهندس مهدی بازرگان

چانه زدن بر سر اصالت قصه‌ها بی‌نیاز می‌کند»<sup>۴۹</sup> البته باید گفت انتساب این نظر یا این بیان به مرحوم طالقانی قابل بحث است زیرا ایشان از تمثیل سخن می‌گویند و هرچند چنانکه گفتیم نظر او تفسیر عرفانی نیست، ولی معنای خاص تمثیل در عرفان و حکمت اسلامی را هم از نظر دور ندارد و یکی گرفتن تمثیل به این معنا با افسانه و سخن غیرمطابق با واقع، درست به نظر نمی‌رسد.<sup>۴۹</sup>

مسأله‌ی تمثیلی بودن داستانهای قرآن بحثی است که عمدتاً در مکتب امین الخولوی، ادیب و قرآن‌پژوه مصری، مطرح شد و پیش از همه شاگردش محمد احمد خلف الله در پایان‌نامه دکتری‌اش با نام «الفن القصصی فی القرآن الکریم» آن را پرورش داد. به نظر او داستانهای قرآن برای آنکه از نظر روانی تأثیرگذار باشند لازم نیست که دقیقاً با واقعیات تاریخی مطابقت کنند.<sup>۴۱</sup> علمای الأزهر خلف الله را در داشتن این دیدگاه منجرم شناختند و او نیز چندی بعد مقام خود را در دانشگاه از دست داد.<sup>۴۲</sup>

نمونه دیگر، تفسیر بی‌سابقه و بدیع طالقانی از آیات نخست سوره نازعات است. ایشان با اشاره به دیدگاه عموم مفسران که این آیات را اشاره به ملائک یا ارواح دانسته‌اند می‌گوید که تفسیر آیات باید مستند به ظهور الفاظ یا نقل معتبر یا شواهدی از دیگر آیات باشد، و این تفسیرها تنها احتمالاتی است که از پیشینیان رسیده و لاحقین همان را گفته‌اند.<sup>۴۳</sup> ایشان پس از نقد این تفسیر، نظر خود را چنین بیان می‌کند:

«أشکار است که این سوگندها ناظر به انواع یا مراحل حرکات، یا متحرکات از جهت حرکات می‌باشد، بنابراین اگر گونه‌هایی از حرکات کلی محسوس یا معلوم را در نظر گیریم شاید تا حدی به مقصود قرآن

در اینجا بد نیست به این نکته اشاره شود که آراء تکلف‌آمیز در تفسیر و علوم قرآنی امری نیست که به رویکردهای متجددانه مربوط و به مرحوم طالقانی مختص باشد، بلکه آفتی است که از دیرباز بوستان علوم و معارف قرآن به آن مبتلا یا در معرض تهدید آن بوده است. این تکلفات از سویی در برخی از کتب قدیم و جدید تفسیر در شیعه و سنی دیده می‌شود که نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توان نشان داد. یکی از نمونه‌های معاصر و شگفت‌آور این تکلفات مباحث رشاد خلیفه قرآن‌پژوه مصری است که سرانجام ارتباط او با بهائیت آشکار شد.<sup>۵۵</sup> او در این کتاب با محور قرار دادن عدد ۱۹ که عدد مقدس بهائیان است آیات گوناگون، حروف مقطعه و... را بررسی می‌کند و سرانجام کار را به آنجا می‌رساند که از آیات مختلف و محاسبات تکلف‌آمیز گوناگون عمر رسالت پیامبر و زمان پایان جهان را هم بیرون می‌آورد.<sup>۵۶</sup> مرحوم طالقانی نیز بدون اطلاع از ماهیت اندیشه‌های او، در آغاز تفسیر سوره آل‌عمران جانبدارانه به دیدگاه‌های او درباره حروف مقطعه اشاره می‌کند.<sup>۵۷</sup>

برخی از محققان درباره تلاش‌هایی از این دست گفته‌اند در دوره جدید عالمان اصلاح‌طلب چون مسلمانان را با تعرض فرهنگ غرب مواجه می‌دیدند نیاز به شور و حماسه و عواطف اسلامی را بیشتر لمس می‌کردند و از این‌رو دفاع از زبان قرآن و جلوه‌های آن را لازم می‌دیدند و می‌کوشیدند جلوه‌های هنری و شگفت‌انگیز آن را بیشتر توضیح دهند.<sup>۵۸</sup> اما متکلفانه سخن گفتن و اندیشیدن، با هریتی که باشد، با امر قرآن به گفتن «قول سدید» (احزاب، ۷۰) سازگار نیست.

۵- توجه به زبان فارسی: «ربیب» به‌درستی به این نکته توجه کرده است که به رغم وجود تفاسیری به زبان فارسی و زبانهای دیگر، تفسیرنویسی به زبانهای محلی عمدتاً پدیده‌ای جدید است و تفاسیری که به زبانهای غیر از عربی وجود داشته‌اند اغلب ترجمه تفسیری از عربی بوده‌اند.<sup>۵۹</sup>

تفسیر پرتوی از قرآن» جز آنکه به فارسی نوشته شده، از معدود تفاسیر جدید فارسی است که زبان و ادب فارسی در آن تا حدی مورد توجه نویسنده بوده است. با آنکه این تفسیر در شرایط عادی نوشته نشده و برخی از بخشهای آن جمع‌آوری دیگران از زبان و قلم مفسر است اما اثر مرحوم طالقانی تا حد زیادی اثر استوار و پخته‌ای است. این اثر «دلپذیر و جذاب مناسب حال خوانندگان فارسی زبان» توصیف شده است.<sup>۶۰</sup> با این حال دکتر سروش قلم ایشان را «سنگین» ارزیابی می‌کند و در این باره می‌گوید:

«قلم نسبتاً سنگین طالقانی در پرتوی از قرآن نشان دهنده کلنجارهای فکری طالقانی با خود و جوشش معانی در ذهن و تنگنای الفاظ برای گنجاندن آن معانی است. شما اگر تفسیر مرحوم طالقانی را با تفسیر نوین مرحوم محمدتقی شریعی مقایسه بکنید، تصدیق خواهید کرد که پیچیدگی فکری و ذهنی که در طالقانی و در آثار او دیده می‌شود در تفسیر دیگر کمتر دیده می‌شود.»<sup>۶۱</sup>

همچنین گفته‌اند که زبان این تفسیر در بسیاری از جاها به پیچیدگی و سنگینی سوق یافته است چنان که خواننده مقصود نویسنده را به‌آسانی در نمی‌یابد.<sup>۶۲</sup>

از سوی دیگر، استشهاد به اشعار و آثار ادب فارسی هم در این تفسیر کم نیست. مرحوم طالقانی در تفسیر سوره حمد در بیان اهمیت جماعت در تفسیر آیه «ایاک نعبد...» از داستان «حمامه مطوقه» در کلیله و دمنه یاد می‌کند.<sup>۶۳</sup> ایشان همچنین بارها ابیات مثنوی مولانا را شاهد می‌آورد، از این حیث، این تفسیر با تفسیر «روح‌البیان» بروسوی قابل مقایسه است که در آن با وجود زبان عربی تفسیر، بارها به ابیات مثنوی استشهاد می‌شود.

معادلهایی هم که مرحوم طالقانی گاه در برابر برخی از واژه‌های قرآنی می‌نهد آشنایی خوب او با زبان و ادب فارسی را می‌نمایاند چنانکه مثلاً در برابر «رقبه»، «بندی»<sup>۶۴</sup> و در مقابل «مثل»، «نمودار»<sup>۶۵</sup> را قرار می‌دهد

اما در این انتساب نیز می‌توان تردید کرد، زیرا مرحوم طالقانی از معاشات قرآن با پندار اعراب سخن نمی‌گوید و نظر خود را با چنان دیدگاهی مربوط نمی‌کند. همچنین تأثیر میکرب‌ها را هم از مفسران دیگر نقل می‌کند.

۴- توجه به واژه‌ها و آواها. یکی از ویژگیهای «پرتوی از قرآن» که آن را از اختصاصات این تفسیر باید محسوب کرد توجه خاص مفسر به واژه‌ها، آواها و ساختار صوتی الفاظ و ارتباط آنها با معنای آیه است. این ویژگی را «معادله‌ی آوایی- معنایی یا فونوسماتیک» نامیده‌اند.<sup>۶۰</sup> جلد سوم این تفسیر با بحثی کوتاه در همین باره آغاز می‌شود: «در آیات قرآن... آنچه مورد توجه و بحث نبوده و شاید به آسانی تحت ضبط و قواعد در نمی‌آید کیفیت انطباق آهنگ کلمات و آیات است با معنای و مقاصد که واقعیات و اوضاع یا صفات درونی گوینده را می‌نمایاند...» نمونه‌های کاربرد این روش در این تفسیر، به‌ویژه در جلد‌های سوم و چهارم (تفسیر جزء سی) فراوان است.<sup>۶۱</sup> درباره این روش خاص، که نویسنده از مفسران شیعه و سنی کسی را نمی‌شناسد که مانند مرحوم طالقانی با این گشاده‌دستی از آن استفاده کرده باشد، باید گفت این شیوه گونه‌ای نوآندیشی به شمار می‌رود که در دوره جدید با پیشرفت‌های دانش زبان‌شناسی و فروع آن، مورد توجه قرار گرفته است. مقصود فراستخواه می‌گوید در جهان عرب سید قطب و امین الخولوی و سپس احمد احمد یدوی و پکری شیخ امین نیز به این شیوه توجه داشته‌اند.<sup>۶۲</sup>

به نظر می‌رسد روش غالب طالقانی در تفسیر علمی آن است که با رعایت اعتدالی میان دو رویکرد قبل، ارتباط آیه‌ای را با یک نظریه علمی بیان می‌کند؛ شیوه ایشان در این بخش اغلب چنین است که در متن به یک نظریه علمی مانند کشفیات مندل و نظریه وراثت (ج ۵، صص ۹۸)، نظریه‌ی تکامل... اشاره می‌کند و در پاورقی به تفصیل و با استفاده از منابع گوناگون، مانند «یک، دو، سه، بی‌نهایت» و «پیدایش و مرگ خورشید» از ژورژ گاموف، «علم به کجا می‌رود» و «تصویر جهان در فیزیک جدید» از ماکس پلانک، «وراثت» اثر ژان روستان، «فرسایش و دگرگونی زمین» از ژرم ویکوف و... آن نظریه را شرح می‌دهد

از سوی دیگر مرحوم طالقانی گاه درباره فواصل آیات نیز تأملات مشابهی دارد و به این نکته توجه می‌کند که فواصل آیات هماهنگ با معانی، تغییر می‌کند. این نکته را دکتر عایشه بنت الشاطی نیز در کتاب «الاعجاز البیانی للقرآن» مطرح می‌کند. از همین رو احتمال داده شده است که ارتباط مرحوم طالقانی با مسلمانان و محافل عرب‌زبان سبب شده باشد که اندیشه‌های او به جهان عرب انتقال یابد یا او از اندیشه‌های آن دیار اقتباس کند.<sup>۶۳</sup>

هرچند توجه به این شیوه را به عنوان طرح یک احتمال در نشان دادن اعجاز ادبی و زبانی قرآن می‌توان پذیرفت، اما به نظر می‌رسد مرحوم طالقانی در کاربرد آن گاه چنان سخاوت می‌ورزد و دچار تکلف می‌شود که خواننده در شگفت می‌ماند که مفسر آگاه و نوآندیش و زبان‌شناس، چگونه در مواردی کاربرد این شیوه را حتی به صورت احتمال روا داشته است.

طرفه آن است که حتی مرحوم بازرگان که خود نیز به چنین رویکردهایی توجه داشته به این شیوه معترض بوده و به نقل از دکتر جعفری خطاب به ایشان می‌گفته است: «درست است که این الفاظ گویای این معنا هستند، اما شما مبالغه می‌کنید.»<sup>۶۴</sup>

یا از معادل «پیل یاران» در برابر «اصحاب الفیل» استفاده می‌کند.<sup>۶۶</sup> اما این فارسی‌دانی در ترجمه‌هایی که ایشان از آیات به دست می‌دهد چندین آشکار نیست و از این رو ترجمه ایشان ترجمه‌ای متوسط و در موارد بسیاری تحت‌اللفظی است و بهره‌ی چندانی از هویت فارسی ندارد.

۶- پرتوی از قرآن و تفاسیر جدید دیگر: یک روش ابتکاری در کشف مبانی آشکار و نهان اندیشه یک مفسر، بررسی بسامد کاربرد برخی ار واژگان کلیدی در یک تفسیر است که امروزه با وجود انتشار تفاسیر متعدد به صورت الکترونیک، کار را بر محقق هموار ساخته است. این بررسی گاه به نحو بسیار دقیق و جالبی نشان می‌دهد که دغدغه‌ها و دل‌مشغولیهای مفسر کدام است و این امر باعث می‌شود که کدام واژه‌ها در ذهن و ضمیر او بیشتر زنده و فعال باشد. این روش به ویژه در مقایسه روش‌نمونه یک تفسیر با تفاسیر دیگر کارآمد بودن خود را به بهترین نحو نشان می‌دهد.<sup>۶۷</sup>

به این منظور می‌توان تفسیر پرتوی از قرآن را با چند تفسیر مهم معاصر شیعی و سنی دیگر مقایسه کرد. ما به این منظور از میان تفاسیر شیعی تفاسیر «المیزان»، «من وحی القرآن» و «نمونه» و از تفاسیر اهل سنت تفاسیر «فی ظلال القرآن» از سید قطب، «محاسن التأویل» از جمال‌الدین قاسمی و «التحریر و التئور» از محمدطاهر بن عاشور را برگزیده‌ایم. ویژگی مشترک همه این تفاسیر آن است که با وجود تفاوت مبانی و اصول، می‌توان همه را به رویکرد جدیدی در عالم اسلام که «نهضت بازگشت به قرآن» نام گرفته است<sup>۶۸</sup> متعلق دانست. به بیان دیگر، این تفاسیر همه از نوع تفاسیر «عصری» هستند و کوشیده‌اند مسائل و مشکلات مسلمانان در دنیای جدید را با توجه به قرآن پاسخ گویند. به دلیل کامل نبودن تفسیر پرتوی از قرآن و رعایت روشمند بودن این مقایسه، ما از میان مجلدات این تفاسیر، کوشیده‌ایم تفاسیر آیاتی را در نظر بگیریم که مرحوم طالقانی نیز همان آیات را تفسیر کرده‌اند.

به این منظور، سه واژه «حرکت»، «استعمار» و «تکامل» را بدون مشتقات، حالت جمع و همراهی با ضمایر در نظر گرفته‌ایم. واژه «حرکت» (با در نظر داشتن این‌که همیشه معنای اجتماعی و سیاسی هم ندارد) در تفسیر پرتوی از قرآن در حدود ۴۲۶ بار به کار رفته است در حالی‌که این واژه در «المیزان»، «من وحی القرآن»، «نمونه»، «فی ظلال القرآن»، «محاسن التأویل» و «التحریر و التئور» به ترتیب ۴۲، ۶۷۱، ۱۷۳، ۲۲۵، ۱۸ و ۲۷ بار کاربرد داشته و از این جهت تنها تفسیر «من وحی القرآن» بر این تفسیر پیشی گرفته است. واژه «استعمار» نیز در این تفسیر ۲۸ بار و در سایر تفاسیر به ترتیب ۲، ۷، ۱۳ و ۴ بار به کار رفته و در دو تفسیر آخر کاربرد نداشته است. واژه «تکامل» نیز در این تفسیر ۳۲۶ بار و در سایر تفاسیر با فاصله‌های بسیار زیاد به ترتیب ۲۴، ۳۳، ۱۱۹، ۶، ۲ و ۲ بار به کار رفته است.<sup>۶۹</sup>

۶- ارزیابی کلی رویکردهای نواندیشانه در این تفسیر: از میان جنبه‌های نواندیشی مرحوم طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن که مورد بررسی قرار گرفت چهار زمینه شایسته تأملی بیشتر است:

۱- گرایش اجتماعی: گرایش اجتماعی مفسر در این تفسیر نشان‌دهنده دردمندی و بیداری او و شایستگی‌اش در نسب بردن از پیشوایان جنبش اصلاح‌طلبی اسلامی از سیدجمال به بعد است. دکتر صاحب‌الزمانی تلاشهای آن بزرگ‌مرد در احیای قرآن را چنین ارزیابی می‌کند: «آیت‌الله طالقانی را می‌توان کاشف جدید قرآن به‌عنوان یک منبع مهم الهام سیاسی در تاریخ معاصر ایران نامید.»<sup>۷۰</sup> مرحوم بازرگان نیز در این باره می‌گوید: «از میان کارهای مرحوم طالقانی مهمتر از همه وارد کردن قرآن و تفسیر آن در محیط و دنیای مردم ایران بود. طالقانی هدیه‌کننده قرآن و تفسیر به مردم ایران، خصوصاً به تحصیل‌کرده‌ها بود.»<sup>۷۱</sup>

۲- تفسیر علمی: رویکرد طالقانی به تفسیر علمی را باید با توجه به روزگاری که او در آن می‌زیست تحلیل کرد. راست است که در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی گفتمان علمی در دین‌پژوهی جایگاه بلندی داشت.

با در نظر گرفتن این زمینه رویکرد طالقانی در تفسیر علمی را در مجموع باید محتاطانه و معتدلاً ارزیابی کرد. بدون شک دانش و تحصیلات حوزوی او و آشنایی دقیقش با مبانی علوم اسلامی او را از آن‌که مانند برخی از هم‌روزگاران دین را به زبان علم ترجمه کند باز می‌داشته است. با این حال در برخی از برداشتهای او که نمونه‌ای از آنها را نقل کردیم می‌توان چون و چرا کرد.

۳- برداشتهای جدید: در طرح این‌گونه برداشتهای جسارت مفسر در تسلیم نشدن به نظریات غالب و تلاش او در گشودن افقهای جدید ستودنی است. ضمناً می‌توان احتمال داد که آشنایی مفسر با تأویلات فلسفی و عرفانی (که از ارجاعات و اشارات مکرر او به مثنوی مولانا و مفاتیح‌الغیب ملاصدرا آشکار است) در طرح این دیدگاههای جدید مؤثر بوده باشد. هرچند در پاره‌ای از این برداشتهای می‌توان بر مرحوم طالقانی خرده گرفت، ولی انصاف آن است که ایشان در طرح این نظریات جدید از چارچوب روش خارج نمی‌شود و تأویلات جدید او با برداشتهای جسورانه برخی از ابنای عصر، مانند گروه فرقان، از اساس متفاوت است.

۴- نواندیشی طالقانی در توجه به ارتباط الفاظ قرآن و معانی آنها البته ستودنی است، اما در این باره احتیاط علمی را از کف نهادن و با قطع سخن گفتن شایسته به نظر نمی‌رسد. وانگهی چنانکه دیدیم برخی از این معادله‌سازی‌ها هم که بیشتر بر ذوق مبتنی است و دلیل محکمی برای آن وجود ندارد به تکلف می‌انجامد و پذیرفتن آن آسان نیست.



از برخی دیگر از سخنان مرحوم طالقانی برمی‌آید که با پذیرش یک نظریه علمی به تفسیر یک آیه می‌پردازد. در این زمینه می‌توان به تفسیر ایشان از هفت آسمان در آیه ۲۹ بقره اشاره کرد



منابع:

- از آزادی تا شهادت (اسناد جنبش اسلامی)، انتشارات ایوذر، تهران، ۱۳۵۸
- بازسازی اندیشه دینی در اسلام، اقبال لاهوری، ترجمه محمد بقایی (مکان)، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۹
- الیان فی اعجاز القرآن، صلاح عبدالفتاح الخالدی، دار عمار، عمان، الطیبة الثالثة، ۱۴۱۳
- پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی، شرکت سهامی انتشار، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۲
- پیک آفتاب: پژوهشی در کارنامه زندگی و فکری آیت الله سید محمود طالقانی، محمد اسفندیاری، صحیفه خرد، ۱۳۸۳
- تفسیر و تفاسیر جدید، بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۶۴
- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات دوستان و ناهید، تهران، ۱۳۷۷
- دروس فی المناهج و الانجازات التفسیریة للقرآن، محمد علی الرضایی الاصفهانی، تمرب: قاسم الیضانی، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۳
- راهی که ترفتم‌ایم (مجموعه مقالات برگزیده از ۲۰ سال نشریه پیام هاجر درباره‌ی آیت‌الله سید محمود طالقانی)، مجتمع فرهنگی آیت‌الله طالقانی، تهران، ۱۳۷۹
- روشها و آرای قرآنی طالقانی، علی خوشگواری، انتشارات قلم، ۱۳۸۴
- روشها و گرایشهای تفسیری، حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، تهران، ۱۳۸۱
- زبان قرآن، مقصود فراسنخواه، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶

- ۲۶- پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۱۱۴.  
 ۲۷- پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۲۲۶.  
 ۲۸- پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۳۵.  
 ۲۹- تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۱۴۴.  
 ۳۰- پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۳۷.  
 ۳۱- پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۴۶.  
 ۳۲- درباره فهرستی از منابع علمی مورد استفاده مرحوم طالقانی در این تفسیر نک: روشها و آرای قرآنی طالقانی، صص ۱۱۷-۱۱۴.  
 ۳۳- پرتوی از قرآن، ج ۳، صص ۳۲۹-۳۲۸.  
 ۳۴- پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۱۱۳.  
 ۳۵- پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۱۲۴.  
 ۳۶- پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۱۱۶.  
 ۳۷- پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۱۷۱.  
 ۳۸- پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۲۱۸.  
 ۳۹- سیاست- نامه، ج ۲، ص ۲۱۱.  
 ۴۰- جنبه‌های دیگری از این انتساب هم مورد نقد قرار گرفته است. نک: پیک آفتاب، ص ۳۴۱.

41- Encyclopedia of the Quran, vol 2, p.130.

42- Encyclopedia of the Quran, vol.2, p.135.

- ۴۳- پرتوی از قرآن، ج ۳، صص ۷۸-۷۷.  
 ۴۴- پرتوی از قرآن، ج ۳، صص ۷۸-۷۹.  
 ۴۵- از آزادی تا شهادت، صص ۱۵۷-۱۵۹.  
 ۴۶- از آزادی تا شهادت، ص ۱۹۹.  
 ۴۷- مجله شاهد یاران، ص ۱۱۰.  
 ۴۸- پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۲۵۴.  
 ۴۹- قبض و بسط تئوریک شریعت، صص ۲۲۰-۲۲۱.  
 ۵۰- زبان قرآن، ص ۱۶۵.  
 ۵۱- مثلا نک: پرتوی از قرآن، ج ۳، صص ۸۶، ۲۳۱-۲۳۰؛ ج ۴، صص ۱۲۱، ۱۳۲، ۱۷۳، ۱۹۰-۱۸۹ و...  
 ۵۲- زبان قرآن، ص ۱۶۶.  
 ۵۳- زبان قرآن، ص ۱۴۰.  
 ۵۴- شاهد یاران، ص ۱۰۷.  
 ۵۵- البیان فی اعجاز القرآن، صص ۳۶۹-۳۷۳.  
 ۵۶- معجزة القرآن الکریم، صص ۲۱۲-۲۲۱.  
 ۵۷- پرتوی از قرآن، ج ۵، ص ۹ (پاورقی).  
 ۵۸- زبان قرآن، ص ۴۴.

59- Encyclopedia of Islam, vol.10, p.88.

- ۶۰- شناخت نامه تفاسیر، ص ۵۵.  
 ۶۱- سیاست-نامه، ج ۲، ص ۲۰۴.  
 ۶۲- روشها و آرای قرآنی طالقانی، صص ۳۷ و ۱۱۹.  
 ۶۳- پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۳۲.  
 ۶۴- پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۴۴.  
 ۶۵- پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۲۲۶.  
 ۶۶- پرتوی از قرآن، ج ۴، ص ۳۶۱.  
 ۶۷- دکتر سروش با اشاره به واژه‌هایی چون عقل، بندگی، شمشیر، سرکشی، آزادی، ذلت، عزت، طبقات حاکمه، خودباختگی، فاصله‌ی طبقاتی و... که مرحوم طالقانی در مقدمه تفسیر از آنها استفاده کرده است از شیوه‌ای مشابه با همین روش (البته بدون مقایسه) بهره برده‌اند. نک: سیاست-نامه، ج ۲، ص ۲۱۰.  
 ۶۸- ابن نعیر، از بهاء‌الدین خرمشاهی در کتاب «تفسیر و تفاسیر جدید» است.  
 ۶۹- استاد خرمشاهی معتقد است که «تکاملی که در جای‌جای پرتوی از قرآن مطرح است «تکامل دارویی» نیست، بلکه کمال‌جویی و استکمال انفسی و آفاقی و کمال‌گرایی صدرایی است... و نقطه آغاز و قوس نزولش چون نقطه انجام در طی قوس صعود همانا خداوند است که یگانه مبداء و منتهای همه چیز است.» تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۱۴۵.  
 ۷۰- راهی که نرفته‌ایم، ص ۶۷.  
 ۷۱- نقل از: پیک آفتاب، ص ۳۲۷.

- سیاست- نامه، ج ۲، عبدالکریم سروش، مؤسسه‌ی فرهنگی صراط، تهران، ۱۳۷۹.  
 - سید جمال‌الدین حسینی پایگذار نهضت‌های اسلامی، صدر وائقی، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۸.  
 - شاهد یاران، ماهنامه تاریخی فرهنگی، یادمان آیت‌الله سید محمود طالقانی، دوره جدید، شماره ۲۲، شهریور ۱۳۸۶.  
 - شناخت‌نامه تفاسیر، سید محمد علی ایازی، انتشارات کتاب مبین، رشت، ۱۳۷۸.  
 - طبقات مفسران شیعه، ج ۴، عبدالرحیم عقیقی بنشایشی، دفتر نشر نوید اسلام، قم، ۱۳۷۱.  
 - عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، شادی نفیسی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۷۹.  
 - فرهنگ آثار ایرانی اسلامی، به سرپرستی احمد سبحی (گیلائی)، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۵.  
 - قبض و بسط تئوریک شریعت، عبدالکریم سروش، مؤسسه‌ی فرهنگی صراط، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۹.  
 - مناہج المفسرین، مساعد مسلم آل جعفر و محی هلال السرحان، دارالمعرفة، بیروت، ۱۹۸۰م.  
 - معجزة القرآن الکریم، رشاد خلیفه، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۳.  
 - Encyclopedia of Islam, Brill, Leiden, 2000.  
 - Encyclopedia of the Quran, General editor: Jane Dammen McAuliffe, Brill, Leiden-Boston, 2002.  
 - Routledge Encyclopedia of philosophy, Routledge, London and New York, 1998.  
 - The Oxford Encyclopedia of the modern Islamic world, Oxford university press, New York, 1995.

پی نوشتها:

- ۱- تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۹.  
 ۲- از آزادی تا شهادت، ص ۱۵۵.  
 ۳- شاهد یاران، ص ۱۵.  
 ۴- دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ج ۲، ۱۳۹۷-۱۳۹۸.  
 ۵- عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، صص ۲۴-۱۰۶؛ خانم دکتر نفیسی این عوامل را زمینه تحول در حوزه‌ی معرفت دینی و تفسیر می‌داند که می‌توان آن‌ها را هینا زمینه‌های شکل‌گیری نگرش اجتماعی و اصلاحی در تفسیر که اخص از آن است نیز دانست.  
 ۶- دروس فی المناہج و الاتجاهات التفسیریة للقرآن، ص ۲۸۳.  
 ۷- مناہج المفسرین، ص ۲۵۷.  
 ۸- دروس فی المناہج و الاتجاهات التفسیریة للقرآن، ص ۲۸۱.  
 ۹- پازسازی اندیشه‌ی دینی در اسلام، ص ۲۹.  
 ۱۰- تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۲۰.  
 11- The Oxford Encyclopedia of the modern Islamic world, vol.4, p.85.  
 12- پیک آفتاب، ص ۳۴۲.  
 13- تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۱۴۴.  
 14- طبقات مفسران شیعه، ج ۴، ص ۴۹۲.  
 15- از آزادی تا شهادت، ص ۱۵۷.  
 16- راهی که نرفته‌ایم، ص ۳۵۵.  
 17- راهی که نرفته‌ایم، ص ۱۴۹.  
 18- The Oxford Encyclopedia of the modern Islamic world, vol.3, p.182.  
 19- پرتوی از قرآن، ج ۵، ص ۲۹۹.  
 20- Routledge Encyclopedia of philosophy, vol.5, p.613.  
 اساساً مقایسه اندیشه‌ی شیعی معاصر، میانی فکری انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های مرحوم طالقانی: شهید مطهری، مرحوم دکتر شریعتی و... یا میانی الهیات و راهی‌بخش خود می‌تواند موضوع پژوهشی مستقل و ارزشمند باشد.  
 21- Encyclopedia of the Quran, vol.2, p.129.  
 ۲۲- تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۱۰.  
 ۲۳- روشها و گرایشهای تفسیری، ص ۳۴۷.  
 ۲۴- پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۵۳.  
 ۲۵- پرتوی از قرآن، ج ۵، ص ۱۴۰.